

خبر

نگاهی به سرنوشت سریال اکشن با بازی نیکی کریمی

گره کور سریال «هفت» بالاخره باز شد؟

با مشخص شدن تکلیف سریال «هفت»، یکی از مجموعه‌های پرحاشیه شبکه نمایش خانگی، می‌رود که به انتشار نزدیک شود. با این همه به نظر می‌رسد چالش‌ها کمتر از آن چیزی بود که در این دو سال پیش‌بینی می‌شد؛ چنانچه گره به ظاهر کور «هفت» حالا باز شده و خود کارگردان مدعی است که انتظار نداشته سریالش با کمترین ممیزی به آنتن برسد.

به گزارش ایسنا، سریال «هفت» به نویسندگی و کارگردانی کیارش اسدی‌زاده پهنودی از یکی از پلنفرم‌های شبکه نمایش خانگی پخش خواهد شد. کارگردانی که پیشتر ساخت سریال «کرگدن» را در کارنامه داشت و این مجموعه، دومین تجربه کاری‌اش در بخش نمایش خانگی محسوب می‌شود.

سریال «هفت» قرار است از مرداد ماه پس از گذراندن حاشیه‌هایی که بر سر صدور مجوز با ساترا داشت، منتشر شود. به نظر می‌رسید پخش «هفت» موانع زیادی به همراه داشته باشد مشکلاتی که در مقاطعی پخش را به تاخیر می‌انداخت اما کارگردان به تازگی با اشاره به همراهی‌های ساترا با این مجموعه، اعلام کرده‌است که باور نمی‌کند از ۳۰ قسمت این کار در مجموع شاید ۶ دقیقه هم دچار ممیزی نشده‌است.

گویا داستان این سریال اکشن - اجتماعی عامل نگرانی‌ها بوده و حالا با کمترین ممیزی در پخش، قدمی رو به جلو برای سازمان تنظیم مقررات رسانه‌های صوت و تصویر فراگیر در فضای مجازی محسوب می‌شود.

بر این اساس، در شرایطی که پیش‌بینی می‌شد «هفت» در هفت اپیزود ساخته و عرضه شود، حالا عنوان می‌شود که بنا به دلایلی قرار است ۲۰ قسمتی‌باشد.

داستان «هفت» حول محور درآمذزایی هفت دانشجو است که به راه خلاف می‌رسند. شواهد حاکی از آن است که ژانر اکشن- اجتماعی دوباره در شبکه نمایش خانگی پررنگ‌تر شده‌است. چنانچه در کنار این سریال (هفت)، مجموعه‌هایی چون «عقرب عاشق»، «زخم کارم ۲»، «پازنده»، «استمرام»، «وحیثیت گمشده» هم در گونه‌هایی مشابه در پلنفرم‌ها عرضه می‌شوند یا قرار است پخش شوند.

سریال «هفت» از سال ۱۳۹۹ تولیدش را آغاز کرد و خرداد ماه ۱۴۰۰ به پایان رسید. زمانی اعلام شد این سریال قرار است عرضه شود که در نهایت با تاخیر پیش‌آمده، اکنون پس از دو سال قرار است از پلنفرم تماشاخونه به پخش برسد.

از طرفی سریال «هفت» را شاید بتوان تجربه‌ای جدید در حوزه تعاملی ساترا با تولیدکنندگان پروژه‌های شبکه نمایش خانگی به حساب آورد؛ چراکه بنا بر ادعای کارگردان، اعضای شورا وقت ویژه‌ای به سریالش اختصاص داده‌اند تا آن را لحظه به لحظه با حضور خودش ببینند و در نهایت به راه‌حلی برسند تا این اثر با کمترین آسیب به پخش برسد.

این مجموعه سریال پربازگتری محسوب می‌شود؛ مجموعه‌ای که بازگرتی آن چون رضا کیانیان، نیکی کریمی، مهدی هاشمی، نازنین بیاتی و مینا ساداتی را مقابل دوربین برده‌است.

کی کریمی از بازیگران نقش اصلی «هفت» پیش از این با حضور در سریال‌های چون «یاغی»، «آژادها» و «ممنوعه» با شبکه نمایش خانگی همکاری کرده‌است.

همچنین رضا کیانیان بازیگر پیشکسوت نیز با بازی در سریال‌های «شهرزاد ۲ و ۳»، «شاهگوش»، «قلب یخی»، «سیاوش» و «بی تو نمی‌میرم» اکنون با بازی در «هفت» برای ششمین بار با پروژه‌ای در شبکه نمایش خانگی همکاری کرده‌است.

مهدی هاشمی، بازیگر مطرح سینما و تلویزیون هم پیش از «هفت» تجربه بازی در مجموعه‌های «گلشقیفته» و «شیکه مخفی زنان» را داشته‌است. لوگوی سریال «هفت» مدت‌هاست که روی صفحه پلنفرم پخش‌کننده با عنوان «به زودی» به چشم می‌خورد و حالا با اظهارنظری که کارگردان داشته‌است، شاید بتوان ساخته کیارش اسدی‌زاده را از سریال‌های جدید در آستانه پخش در شبکه نمایش خانگی به حساب آورد.



شاعر نامدار ایرانی در سن ۸۳ سالگی درگذشت

وداع با پسرگی به نام احمدرضا احمدی

احمدرضا احمدی در سن ۸۳ سالگی از دنیا رفت. در تماس با ماهور احمدی، دختر این شاعر و نویسنده پیشکسوت، این خبر تأیید شد.



شب است. احمدرضا احمدی می‌خواست مانند شوبنهاور شعر را به موسیقی نزدیک کند و مفهوم پیام بهانه‌ای نشود که برای شعر ارزش قائل شویم اردیبهشت ماه ۱۳۹۷ و در گالری کاما برگزار شد. وی در نمایشگاه‌های گروهی «۱۹۹۰+» (اسفندماه ۱۳۹۷- گالری افرند)، «دو از هزاران» (آبان ماه ۱۳۹۸- گالری الهی)، «گلگشت» (آذرماه ۱۳۹۸- گالری سرونار) و «کلکسیونر ۵» (بهمن ماه ۱۳۹۸- گالری آرتیبیسن) شرکت کرده‌است. دومین نمایشگاه انفرادی آثار نقاشی احمدی با عنوان «لکه‌ای از عمر بر دیوار بود» شهریور سال گذشته در گالری آ برپا شد.

آرگ احمد رضا اجمدی نبود

شمس لنگرودی می‌گوید: شعر موج نو که بانی آن احمدرضا احمدی بود، نتیجه رودرویی دیالکتیکی با زیبایی‌شناسی نیما بود؛ مخالف نیما چون شعر حجم، شعر دیگر و انواع و اقسام شعر با نام‌های مختلف بود. اگرچه خود این شاعران نمی‌گویند که تحت‌تأثیر مستقیم یا غیرمستقیم از زیبایی‌شناسی احمدرضا احمدی هستیم، اما اهمیت احمدی این است که سرشاخه بسیاری از جریانات شعری شده و اگر احمدرضا نبود احتمالاً سبک و سیاق دیگری پیدا می‌کردند.

این شاعر و نویسنده ادامه داد: اعتبار و ارزش شعر احمدرضا احمدی در بنیان‌گذاری جریان شعری بود که بیش از این‌که به ابزار شعری نیازمند باشد؛ مانند وزن و قافیه و پیام به جوهر شعر اعتنا شد. اگرچه بعدها سبک و روش احمدی عوض شد؛ اما جایگاش به این سبب بود. نویسنده «تاریخ تحلیلی شعر نو» خاطرنشان کرد: احمدرضا سرشاخه جریانات شعرهای دیگری چون شعر حجم، شعر دیگر و انواع و اقسام شعر با نام‌های مختلف بود. اگرچه خود این شاعران نمی‌گویند که تحت‌تأثیر مستقیم یا غیرمستقیم از زیبایی‌شناسی احمدرضا احمدی هستیم، اما اهمیت احمدی این است که سرشاخه بسیاری از جریانات شعری شده و اگر احمدرضا نبود احتمالاً سبک و سیاق دیگری پیدا می‌کردند.

او درباره ورود احمدی در حوزه کودک و نوجوان و تأثیر موفقیتش در ادبیات کودک و این‌که چقدر در این حوزه موفق بوده است، گفت: احمدرضا احمدی یکی از اولین چهره‌هایی بود که در کانون پرورش فکری شاعلی شد و در آن‌جا با ادبیات کودک نشست. موفقیت او را در این حوزه باید کارشناسان ادبیات کودک بگویند؛ اما علت، حضورش در کانون بود. ما در کانون همکار بودیم، او در آن‌جا کارهای دیگری هم می‌کرد و مسئول قسمت تولید موسیقی بود و برای کودکان خوبی در زمینه موسیقی داشت. در واقعهش شغلش بود و کار موسیقی نمی‌کرد.

شمس لنگرودی که خود نیز در حوزه بازیگری و موسیقی هم فعالیت می‌کند درباره طبع‌آزمایی احمدی در هنری‌های دیگر از جمله نقاشی گفت: باید‌نقاش‌ها درباره نقاشی‌های او نظر دهند. به نظر من همه هنرها به‌نوعی به یکدیگر مربوط هستند؛ و این‌که بگویم هنرمند وارد حوزه‌های دیگر نشود و فقط در حوزه خود بماند فکری ارتجاعی و احمقانه است. فروغ فرخزاد شعر می‌گوید اما با ابراهیم گلستان به حوزه فیلم می‌رود و می‌بیند سینما جذابیت دارد و «خانه سیاه است» را می‌سازد. فروغ وارد حوزه نقاشی هم شده بود. این‌ها ماضی برای هم نیستند و ممکن است در یکی از حوزه‌ها وارد شود که با کارکردن در آن رشته موفق‌تر شود و در حوزه دیگری کمتر موفق شود. احمدرضا احمدی پس از مدت‌ها خانه‌نشینی، خسته شد و به نقاشی رو آورد، برای خیلی‌ها پیش می‌آید که به‌سوی هنر دیگری می‌روند. کیارستمی سینماگر بود و به هر دلیلی سراغ شعر رفت و شعر هایکو چاپ کرد و مطرح هم شد. هنرها هم‌ریشه‌اند.

نمایشگاه‌های نقاشی احمدرضا احمدی

اولین نمایشگاه انفرادی نقاشی‌های احمدرضا احمدی با عنوان «هزار آقاچیا در چشم تو هیچ بود»، اردیبهشت ماه ۱۳۹۷ و در گالری کاما برگزار شد. وی در نمایشگاه‌های گروهی «۱۹۹۰+» (اسفندماه ۱۳۹۷- گالری افرند)، «دو از هزاران» (آبان ماه ۱۳۹۸- گالری الهی)، «گلگشت» (آذرماه ۱۳۹۸- گالری سرونار) و «کلکسیونر ۵» (بهمن ماه ۱۳۹۸- گالری آرتیبیسن) شرکت کرده‌است. دومین نمایشگاه انفرادی آثار نقاشی احمدی با عنوان «لکه‌ای از عمر بر دیوار بود» شهریور سال گذشته در گالری آ برپا شد.

آرگ احمد رضا اجمدی نبود

شمس لنگرودی می‌گوید: شعر موج نو که بانی آن احمدرضا احمدی بود، نتیجه رودرویی دیالکتیکی با زیبایی‌شناسی نیما بود؛ مخالف نیما چون شعر حجم، شعر دیگر و انواع و اقسام شعر با نام‌های مختلف بود. اگرچه خود این شاعران نمی‌گویند که تحت‌تأثیر مستقیم یا غیرمستقیم از زیبایی‌شناسی احمدرضا احمدی هستیم، اما اهمیت احمدی این است که سرشاخه بسیاری از جریانات شعری شده و اگر احمدرضا نبود احتمالاً سبک و سیاق دیگری پیدا می‌کردند.

این شاعر و پژوهشگر در پی درگذشت احمدرضا احمدی، در گفت‌وگو با ایسنا درباره اهمیت شعر این شاعر فقید اظهار کرد: در سالیان گذشته، برای این‌که یک مکتب هنری یا فکری به مکتب دیگری تبدیل شود، ده‌هاها طول می‌کشید؛ شاید ۱۰۰ سال و ۲۰۰ سال طول می‌کشید که مثلاً سبک خراسانی به سبک عراقی تبدیل شود. در جهان معاصر و در روزگاری که به مدرنیته وارد می‌شوم، زمان تحولات طولانی نیست و در کوتاه‌مدت اتفاق می‌افتد. بعد از این‌که نیما یوشیج تحولی در شعر ایجاد کرد، شعر معاصر وارد انواع دگرگونی‌ها شد که محل بحث ما نیست؛ اما دو جریان شاخص بودند: یکی شعر سپید و دیگری موج نو که بانی آن احمدرضا احمدی بود. شعر سپید ادامه زیبایی‌شناسی نیما بود اما موج نو رودرویی نیما. موج نو نتیجه رودرویی دیالکتیکی با زیبایی‌شناسی نیما بود؛ مخالف نیما بود. یعنی اگر نیما نبود موج نو که شکل گرفت، شعرخوانی در آلبوم در آن شب خروانی او با بیان این‌که شعر احمدرضا احمدی پاسخی به زیبایی‌شناسی شعر نیمایی است، توضیح داد: نیما یوشیج می‌گفت شعر حتماً باید وزن داشته باشد، حتماً پیام‌رسان باشد و حتماً نمادین باشد؛ و اولین کسی که سر بلند کرد و گفت لازم نیست شعر وزن داشته باشد، لازم نیست نماد داشته باشد و لازم نیست پیام داشته باشد، احمدرضا احمدی بود با کتابی به نام «طرح» که در سال ۱۳۴۱ منتشر کرد. جایگاه احمدرضا احمدی آن‌جا بود که زیبایی‌شناسی شعر نو را که با مختصاتی مشخص قوام پیدا کرده بود به هم ریخت و زیبایی‌شناسی مدرن دیگری را به وجود آورد.

شمس لنگرودی تأکید کرد: اهمیت شعر احمدرضا از این جهت است که بسیاری از قید و بندهای شاید لازم‌تر شعر را از شعر نیمایی گرفت؛ احمدرضا آمد گفت لازم نیست گوییم منظور ما از شب، دیکتاتوری است؛ بلکه منظور من خود

مدرسه کاویانی کرمان گذراند و سپس با خانواده به تهران کوچ کرد. در دبستان ادب و صفوی تهران طاهبا به نویسندگان و شاعران دانشجویه و جوان کار سفارش می‌دادند تا روند نگارش و انتشار کتاب‌های کودک فارسی – پایه شکل بگیرد.

در این میان کاری نیز به احمدرضا احمدی سفارش داده شد. نتیجه کار داستان «من حرفی دارم که فقط شما بچه‌ها باور می‌کنید» بود که در سال ۱۳۴۹ منتشر شد. در دهه ۵۰ احمدی خود به استخدام کانون درآمد و بخش موسیقی این نهاد را پیش می‌برد و در همین زمینه نیز کارهای بازنرشی در زمینه موسیقی کودک با ادبیات همراه با موسیقی با مدیریت او منتشر شد. اما کار نوشتن داستان‌های کودکان را به جز کتاب یادشده تا سال ۱۳۴۶ که کتاب «هفت روز هفته دارم» دیگر ادامه نداد. این کتاب البته غیرداستان بود. در سال ۱۳۴۸ او داستان‌های (تو دیگر از این بوته هزار گل سرخ داری) و «نوشتم باران، باران بارید» را منتشر کرد. از سال ۱۳۴۹ با همکاری نادر ابراهیمی مجموعه کتاب‌هایی را به نگارش و انتشار درآورد که کار او را در این گستره تثبیت کرد.

«ناگهان چراغ‌ها روشن شدند»، «عروس و داماد زیر باران»، «در یک شب مهتابی که شب چهاردهم ماه بود»، «کیوتو سفید کنار آینه»، «بهار بود»، «شب روز اول و صبح روز هفتم»، «پسرک تنها بود»، «نوشتم گل بنفشه را پوشاند»، «نوشتم باران، باران بارید»، «نشانی»، «روزی که مه بی‌پایان بود»، «رنگین‌کمانی که همیشه رخ نمی‌داد»، «در باغچه عروس و داماد دیده بود»، «سب و سیب و بهار»، «شب یلدا قفص بلندترین شب سال»، «خواب یک سبب، سبب یک خواب»، «در بهار خرگوش سفیدم را یافتم»، «حوض کوچک، قایق کوچک»، «خرگوش سفیدم همیشه سفید بود»، «در بهار پرندة را صدا کردیم، جواب داد»، «روزهای آخر پاییز بود»، «عکاس در حیاط خانه ما منتظر بود»، «نوشتم باران، باران بارید»، «تو دیگر از این بوته هزار گل سرخ داری»، «هفت روز هفته دارم»، «هفت کمان هفت‌رنگ»، «من حرفی دارم که فقط شما بچه‌ها باور می‌کنید»، «مزرعه گل‌های آفتابگردان»، «ناگهان چراغ‌ها روشن شدند»، «مسافران هواپیمای سفید رنگ»، «دخترک ماهی تنهایی»، «پسرک و دوازده ماه سال»، «پسرک دریا را نگاه کرد و گفت»، «دیگر در خانه پسرک هفت صندلی بود»، «قصه‌های پدربزرگ»، «در باغ بزرگ باران می‌بارید»، «دخترک ماهی تنهایی»، «پروانه روی بالش من به خواب رفته بود»، «باران دیگر نمی‌بارید» و «این همه بادکنک‌های رنگی» از آثار به‌جامانده از این شاعر و نویسنده است.

خلاصه زندگینامه احمدرضا احمدی

پدر او کارمند وزارت دارایی بود. احمدرضا کوچک ترین فرزند خانواده ۷ نفری بود. جد پدری وی ثقة الاسلام کرمانی و جد مادری‌اش آقا شیخ محمود کرمانی است. سال اول دبستان را در

احمدرضا احمدی سال‌ها بود که از ناراحتی قلبی رنج می‌برد و بارها در بیمارستان بستری شده بود. یکی از دفاتر شعر معروف او پسرکی به نام «احمدرضا احمدی گم شده است» بود. این شاعر که در آغاز ورودش به دنیای شعر مورد حمایت فروغ فرخزاد قرار گرفت، از آغازگران سبک موج نو در دهه ۴۰ بود و در حوزه ادبیات کودک نیز فعالیت‌های چشمگیری داشت. احمدی در

سال‌های اخیر به نقاشی نیز رو آورده بود. احمدرضا احمدی متولد ۳۰ اردیبهشت ۱۳۱۹ در کرمان بود. از آثار او در حوزه شعر می‌توان به «دفترهای واپسین»، «دفترهای سالخوردگی»، «هزار آقاچیا در چشمان تو هیچ بود» و «روزی برای تو خواهم گفت» و از آثارش در حوزه کودک و نوجوان می‌توان به «دیگر در خانه پسرک هفت صندلی بود»، «دخترک ماهی تنهایی» و «مزرعه گل‌های آفتابگردان» اشاره کرد.

احمدرضا احمدی شاعر بزرگسالان و نویسنده کتاب‌های کودکان، که از آغاز دهه ۱۳۴۰ کار فرهنگی خود را در گستره شعر نو بزرگسالان آغاز کرد و به عنوان شاعری از موج نو شعر فارسی در محفل‌های فرهنگی و ادبی شناخته شد، در پایان همین دهه با آشنایی با بخش انتشارات کانون پرورش فکری در زمینه داستان‌های کودکان نیز به تجربه‌آزمایی پرداخت.

احمدرضا احمدی فرزندی از سرزمین کرمان است. در سال ۱۳۱۹ در این شهر به دنیا آمد و دوره دبستان را نیز در آن به پایان رساند، سپس به تهران آمد و دیپلم خود را از دارالفنون گرفت. پس از آن برای دو سال در کرمان به آموزش‌گری پرداخت اما این کار با روحیه او سازگار نبود.

هنگامی که کانون پرورش فکری کودکان پایه‌گذاری شد، فیروز شیروانلو و سپس سیروس طاهبا به نویسندگان و شاعران دانشجویه و جوان کار سفارش می‌دادند تا روند نگارش و انتشار کتاب‌های کودک فارسی – پایه شکل بگیرد.

در این میان کاری نیز به احمدرضا احمدی سفارش داده شد. نتیجه کار داستان «من حرفی دارم که فقط شما بچه‌ها باور می‌کنید» بود که در سال ۱۳۴۹ منتشر شد. در دهه ۵۰ احمدی خود به استخدام کانون درآمد و بخش موسیقی این نهاد را پیش می‌برد و در همین زمینه نیز کارهای بازنرشی در زمینه موسیقی کودک با ادبیات همراه با موسیقی با مدیریت او منتشر شد. اما کار نوشتن داستان‌های کودکان را به جز کتاب یادشده تا سال ۱۳۴۶ که کتاب «هفت روز هفته دارم» دیگر ادامه نداد. این کتاب البته غیرداستان بود. در سال ۱۳۴۸ او داستان‌های (تو دیگر از این بوته هزار گل سرخ داری) و «نوشتم باران، باران بارید» را منتشر کرد. از سال ۱۳۴۹ با همکاری نادر ابراهیمی مجموعه کتاب‌هایی را به نگارش و انتشار درآورد که کار او را در این گستره تثبیت کرد.

«ناگهان چراغ‌ها روشن شدند»، «عروس و داماد زیر باران»، «در یک شب مهتابی که شب چهاردهم ماه بود»، «کیوتو سفید کنار آینه»، «بهار بود»، «شب روز اول و صبح روز هفتم»، «پسرک تنها بود»، «نوشتم گل بنفشه را پوشاند»، «نوشتم باران، باران بارید»، «نشانی»، «روزی که مه بی‌پایان بود»، «رنگین‌کمانی که همیشه رخ نمی‌داد»، «در باغچه عروس و داماد دیده بود»، «سب و سیب و بهار»، «شب یلدا قفص بلندترین شب سال»، «خواب یک سبب، سبب یک خواب»، «در بهار خرگوش سفیدم را یافتم»، «حوض کوچک، قایق کوچک»، «خرگوش سفیدم همیشه سفید بود»، «در بهار پرندة را صدا کردیم، جواب داد»، «روزهای آخر پاییز بود»، «عکاس در حیاط خانه ما منتظر بود»، «نوشتم باران، باران بارید»، «تو دیگر از این بوته هزار گل سرخ داری»، «هفت روز هفته دارم»، «هفت کمان هفت‌رنگ»، «من حرفی دارم که فقط شما بچه‌ها باور می‌کنید»، «مزرعه گل‌های آفتابگردان»، «ناگهان چراغ‌ها روشن شدند»، «مسافران هواپیمای سفید رنگ»، «دخترک ماهی تنهایی»، «پسرک و دوازده ماه سال»، «پسرک دریا را نگاه کرد و گفت»، «دیگر در خانه پسرک هفت صندلی بود»، «قصه‌های پدربزرگ»، «در باغ بزرگ باران می‌بارید»، «دخترک ماهی تنهایی»، «پروانه روی بالش من به خواب رفته بود»، «باران دیگر نمی‌بارید» و «این همه بادکنک‌های رنگی» از آثار به‌جامانده از این شاعر و نویسنده است.

خلاصه زندگینامه احمدرضا احمدی

پدر او کارمند وزارت دارایی بود. احمدرضا کوچک ترین فرزند خانواده ۷ نفری بود. جد پدری وی ثقة الاسلام کرمانی و جد مادری‌اش آقا شیخ محمود کرمانی است. سال اول دبستان را در

خبر

هنر تجسمی چگونه به نقش بر جسته مرد ساسانی رسید؟



«نقش برجسته مرد عالی‌رتبه ساسانی» که گفته می‌شود حدود ۳۵ سال قبل از ایران به صورت غیرقانونی خارج شده بود حالا به داخل کشور بازگشته است. مجسمه و نقش برجسته‌ها را این روزها می‌توان در میان آثار هنر تجسمی جای داد اما آیا در زمان‌های گذشته نیز نگاه به آثار هنری فعلی اینچنین بوده است؟ بر همین اساس یک پژوهشگر هنری که معتقد است این آثار از جنبه دیگری به جز خلق یک اثر هنری نگاه می‌شدند، به بررسی مواردی چون تاریخچه هنر تجسمی در ایران و بررسی دو نگاه هنری و کاربردی در تاریخ هنر تجسمی در ایران پرداخت.

سالار صالحیه، دکتری باستان‌شناسی دارد و تحصیلات کارشناسی ارشد او در زمینه پژوهش هنر بوده است. او می‌گوید با رویکرد تاریخ هنر تجسمی هم به باستان‌شناسی نگاه و در این زمینه پژوهش کرده‌است. این پژوهشگر تاریخ هنر به بهانه ورود «نقش برجسته مرد عالی‌رتبه ساسانی» به ایران‌که این روزها خیرساز شده است درباره اینکه آیا نقش برجسته در زمان‌های گذشته اثر هنری محسوب می‌شد یا خیر، تاریخچه هنر تجسمی در ایران، دو نگاه هنری و کاربردی در تاریخ هنر تجسمی در ایران توضیحاتی را به ایسنا ارائه کرد. این نقش برجسته حدود ۳۵ سال پیش به‌شکل غیرقانونی از ایران به امارات و سپس بریتانیا قاچاق شده بود. این نقش برجسته مدتی در موزه بریتانیا در معرض دید قرار داده شد و حالا به ایران بازگردانده شده‌است. گفته شده است که به احتمال زیاد این نقش برجسته به جایی در جنوب فارس متعلق باشد.

صالحیه در گفت‌وگو با ایسنا اظهار کرد: هنر تجسمی در ایران هم مانند نقاط دیگر جهان با نقاشی روی صخره‌ها آغاز شد؛ این در حالی است که البته نقاشی روی صخره‌ها به صورت آنچه که حالا می‌شناسیم به عنوان «هنر» شناخته نمی‌شده‌است. می‌توان ادعان کرد که نقاشی‌های صورت گرفته بر روی صخره‌ها حالت تزئینی نداشته و احتمالاً با هدف مشخصی صورت می‌گرفته است. انسان‌ها با فرمت نقاشی برای ایجاد هنر بیگانه بودند و اغلب در مراسم آیینی، شکار و… از نقاشی استفاده می‌کردند. همانطور که دوره‌های متفاوت ایجاد دیوارنگاره‌هایی مانند دیوارنگاره‌های کوی خواجه مربوط به دوره اشکانی، دیوارنگاره کول فرح در دوره ایلامیان، دیوارنگاره کورانگون در دوره ایلامی ها و … اهداف خاص خود را دنبال و مفاهیم دوران خود را بازگو می‌کردند، بعد از آن نیز هنر به نقش برجسته‌ها و نقاشی روی پارچه و … راه پیدا کرد، در هر دوره مفاهیم خاصی را منتقل کرد.

او ادامه داد: البته در دوره ساسانی مفاهیم هنری‌تر وارد عرصه شدند. در واقع از دوره اشکانی، اواخر دوره هخامنشی و همچنین دوره ساسانی ورود مفاهیم هنری تداوم پیدا کرد؛ می‌توان گفت در دوره ساسانی با محوریتی موضوعاتی مانند شاه و دربار و … شاهد ایجاد آثار هنری بودیم.

سرآغاز هنر تجسمی در ایران کجاست؟ صالحیه با تأکید بر اینکه سرآغاز هنر تجسمی در تاریخ ایران را می‌توان نقاشی‌های صخره‌ای دانست، گفت: این نقوش در غارهای دوشه و ممرلات لرستان دیده می‌شود. همچنین در غار خره هنجیران در مهاباد هم دیده شده‌است. این نقوش بیشتر در قالب شکار دیده می‌شده و می‌بینیم که با تیر حیوانات را زخمی می‌کنند. همچنین در میان این نقوش تصویری از اعتماد به نفس شکارچیان هم دیده می‌شود؛ این موجب می‌شد که شکارچیان برای بازگشت به میدان شکار تردید نکنند. گاهی شکارچی‌ها در میدان نبرد زخمی می‌شدند یا جان خود را از دست می‌دادند، این نقاشی‌ها را به نوعی آرتیست‌های آن زمان با برداشت‌های مختلف اما نه برای تزئین و جنبه هنری یک اثر به تصویر می‌کشیدند.

بعد از مدت‌ها کش و قوس

تئاتر شهر بالاخره نفس کشید!

و مجسمه‌هایش دزدیده شده، توضیح داد: نوع طراحی که برای حائل تئاتر شهر شده، برگرفته از نشانه‌ها و المان‌های خود مجموعه است. قرار است در عین حال که فضای بیرونی مجموعه دارای حریم می‌شود ولی شکل حائل، تردد را برای عموم مردم دچار محدودیت نکند. به این معنا که تردد برای عموم آزاد است ولی به صورت کنترل‌شده اتفاق می‌افتد که بر اساس آن اجازه ورود و خروج به اراندل اوپاوش داده نمی‌شود و اگر در محدوده حریم، ناهنجاری دیده شود، همکاران مجموعه می‌توانند آن فرد یا افراد را خارج کنند. برای تامین امنیت بنا در شب‌ها، ورودی‌ها و خروجی‌های مجموعه بسته می‌شود و اجازه ورود و خروج به هر کسی داده نمی‌شود.

طاهری در پاسخ به این پرسش که در بحث حریم، چگونه نگرانی جامعه تئاتری درباره محدودیت تردد به این مجموعه برطرف خواهد شد، گفت: این نگرانی برطرف می‌شود. تردد در فضای آن هم نگرهایی دیده می‌شود و در عین حال برای تردد افراد منعی وجود ندارد. با این حال اگر کسانی امنیت مخاطبان و افراد را به مخاطره بیندازند، آن نگرهان می‌تواند از ورود آنان جلوگیری کند.

او از وضعیت نامطلوب اطراف تئاتر شهر ابراز تاسف کرد و افزود: متأسفانه در شرایط فعلی، یکسری ناهنجاری‌ها و رفتارهای ضداجتماعی را در اطراف تئاتر شهر شاهدیم که از دید هیچ‌کس پسندیده نیست و جای تاسف است که وقتی تماشاگران و مخاطبان این مجموعه بعد از تماشای تئاتر، از سالن بیرون می‌آیند، در محوطه بیرونی و جلو در مجموعه با افراد و اتفاقاتی مواجه

می‌شوند که حس امنیت آنان را مخدوش می‌کنند.

طاهری خاطرنشان کرد: درست است که این ناهنجاری‌ها از سوی کسانی رخ می‌دهد که بیمار تلقی می‌شوند ولی بهتر است این افراد در جای درستی ساماندهی شوند. دیدن چنین صحنه‌هایی نه تنها در اطراف یک مجموعه فرهنگی، بلکه در هر فضای عمومی دیگری هم ممکن است بخشی از جامعه ما را دلزده کند.

او درباره مکان استقرار دستفروش‌ها و نگرانی‌هایی که جامعه تئاتری از بابت امرار معاش آنان دارد، نیز توضیح داد: اطلاع دقیقی در این زمینه ندارم ولی از همکاران شهرداری منطقه ۱۱ شنیده‌ام درصد هستند محلی برای امرار معاش این دوستان، البته افرادی که واقعا در پی کسب درآمد هستند، در نظر بگیرند تا مانهی برایشان ایجاد نشود اما این استقرار به شکل ساماندهی‌شده‌ای رخ بدهد.

طاهری که امیدوار است با اجرای این برنامه‌ها در بخشی از چهارراه ولیعصر محیطی امن و فرهنگی ایجاد شود، یادآوری کرد: تئاتر شهر همان گونه که پتانسیل مرکز تولید تئاتر حرفه‌ای کشور را دارد، می‌تواند با بهره‌مندی از نمادها و نشانه‌های مرتبط با تئاتر، از زاویه‌ای دیگر هم برای مخاطبان و شهروندان و رهگذران ایجاد جاذبه کند. به عنوان نمونه می‌توان بخشی از فضای بیرونی مجموعه را برای اجرای نمایش‌های ممرکه‌گیری و خیمه‌شب بازی و .. در نظر گرفت و این اتفاق کمک می‌کند که حال و هوای بیرون مجموعه هم تئاتری‌تر شود.

